

ماجراهای مگسی ویزرز و سَرمگس ۵



پرو خال آسمان سَرمگس!



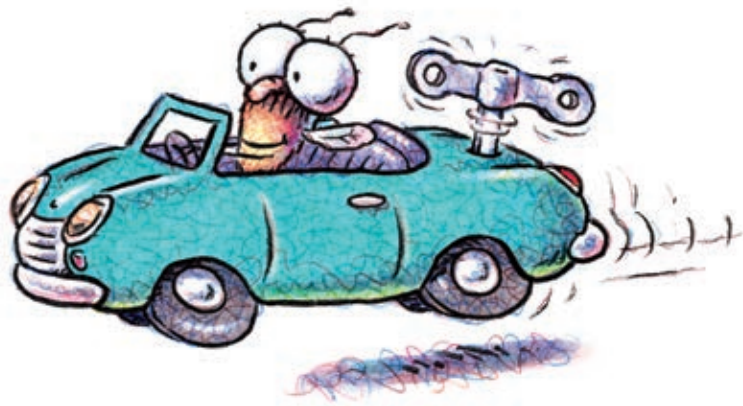
تد آرنولد

مترجم: مریم فیاضی

FLY GUY #05: Fly high, Fly Guy!
Copyright © 2008 by Tedd Arnold. All rights reserved. Published by arrangement with Scholastic Inc., 557 Broadway, New York, NY 10012, USA

نشر هوپا با همکاری آژانس ادبی کیا در چهارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright)، امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از ناشر آن (Scholastic) خریداری کرده است.

انتشار و ترجمه‌ی این اثر به زبان فارسی از سوی ناشران و مترجمان دیگر مخالف عرف بین‌المللی و اخلاق حرفه‌ای نشر است.



برای کریستین

سرشناسه: آرنولد، تد، ۱۹۴۹-م.

Arnold, Tedd

عنوان و نام پدیدآور: برو خال آسمان، سرمگس/نویسنده و تصویرگر تد آرنولد؛ مترجم مریم فیاضی؛ ویراستار سیدنوید سیدعلی‌اکبر.

مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۳۶ص: مصور(رنگی).

فروست: ماجراهای مگسی ویزرز و سرمگس؛ ۵.

شابک: دوره: ۱-۳۸-۲۸-۸۶۵۵-۶۰۰-۹۷۸-۴۳-۵-۸۶۵۵-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Fly high, Fly Guy! , c۲۰۰۸

یادداشت: کتاب حاضر تحت عناوین مختلف توسط مترجمان و ناشران متفاوت در سالهای مختلف منتشر شده است

یادداشت: گروه سنی: ب، ج.

موضوع: داستان‌های تخیلی

موضوع: Fantastic Fiction

موضوع: مگس‌ها — داستان

موضوع: Flies — Fiction

موضوع: داستان‌های طنزآمیز انگلیسی

موضوع: Humor stories, English

شناسه افزوده: فیاضی، مریم، ۱۳۶۱-، مترجم

رده‌بندی دیوینی: ۱۳۹۵ ب ۱۴۲۹ ب ۱۳۰۴۲۹ ب

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۲۸۷۲



برو خال آسمان سرمگس!

هوپا
Hoopa

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون
کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی
صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵
تلفن: ۸۸۹۶۴۶۱۵
همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.
استفاده از بخش‌هایی از متن کتاب، فقط برای نقد و معرفی آن مجاز است.
www.hoopa.ir
info@hoopa.ir

نویسنده و تصویرگر: تد آرنولد
مترجم: مریم فیاضی
ویراستار: سیدنوید سیدعلی‌اکبر
مدیرهنری: فرشاد رستمی
طراح گرافیک: مهدخت رضاخانی
ناظر چاپ: مرتضی فخری
چاپ چهارم: ۱۳۹۶
تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه
قیمت: ۷۰۰۰ تومان
شابک دوره: ۱-۳۸-۲۸-۸۶۵۵-۶۰۰-۹۷۸-۴۳-۵-۸۶۵۵-۶۰۰-۹۷۸
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۴۳-۵

پسری بود که توی خانه مگس نگه می داشت.
اسمش را گذاشته بود سَرمگس
سَرمگس بلد بود اسم پسر را بگوید:



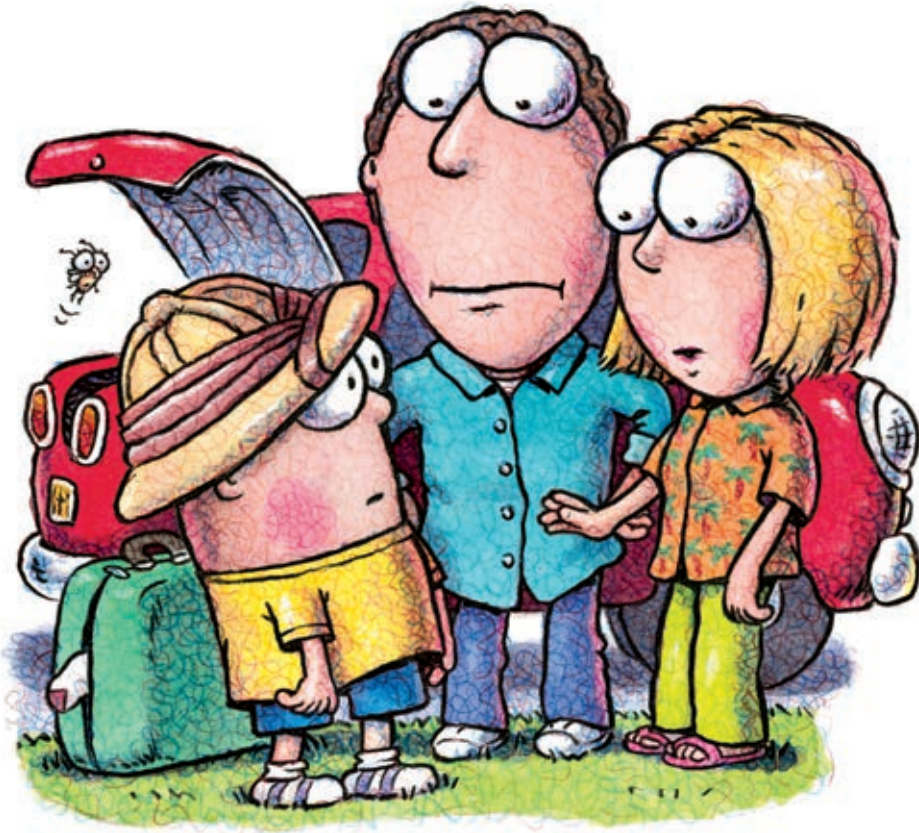
فصل ۱

روزی از روزها ویز گفت: «دیگر شده وقت سفر.»



۲

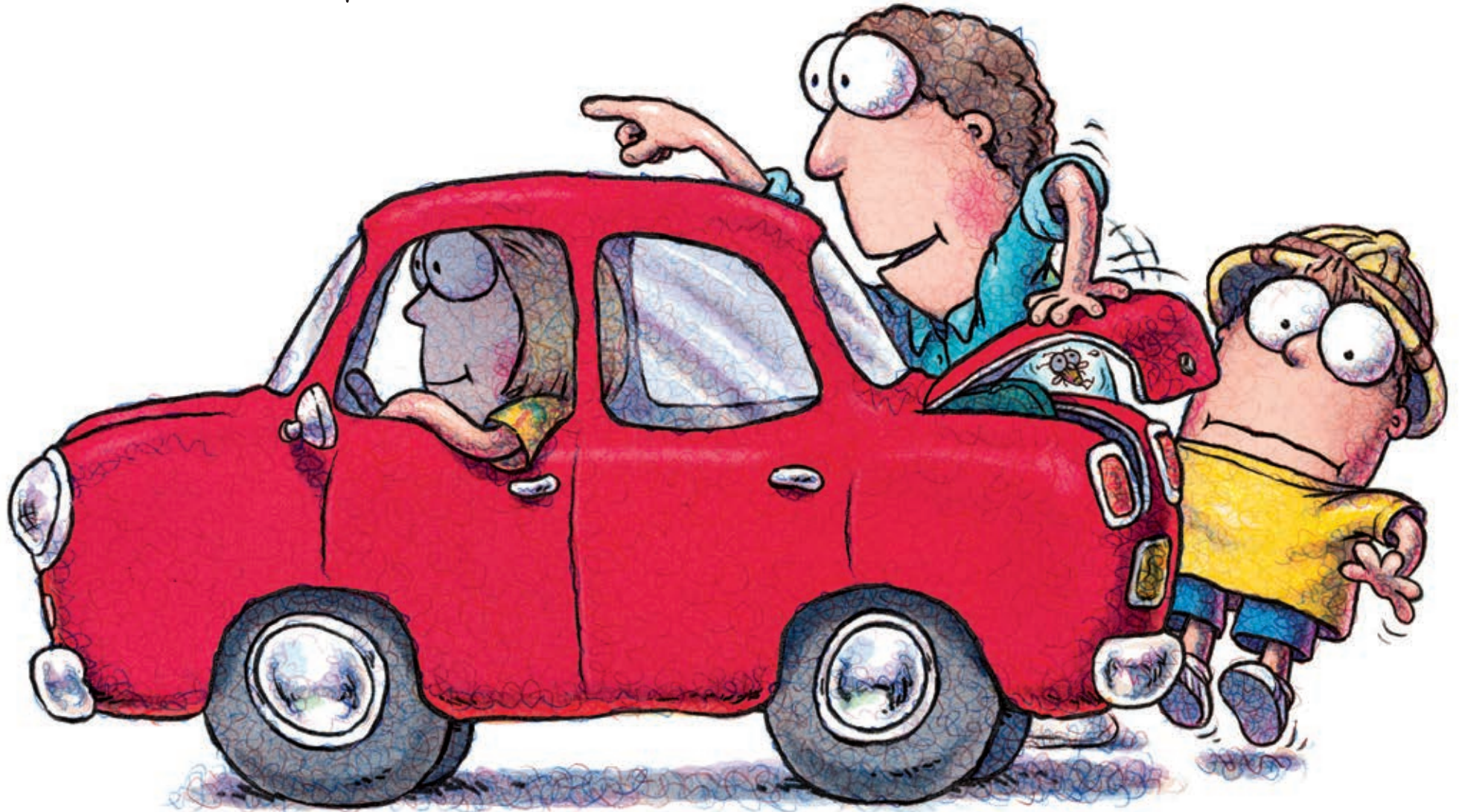
سرمگس هم دلش می خواست برود.
اما ماما گفت: «سرمگس خیلی خیلی
کوچولوست، شاید گم شود.»



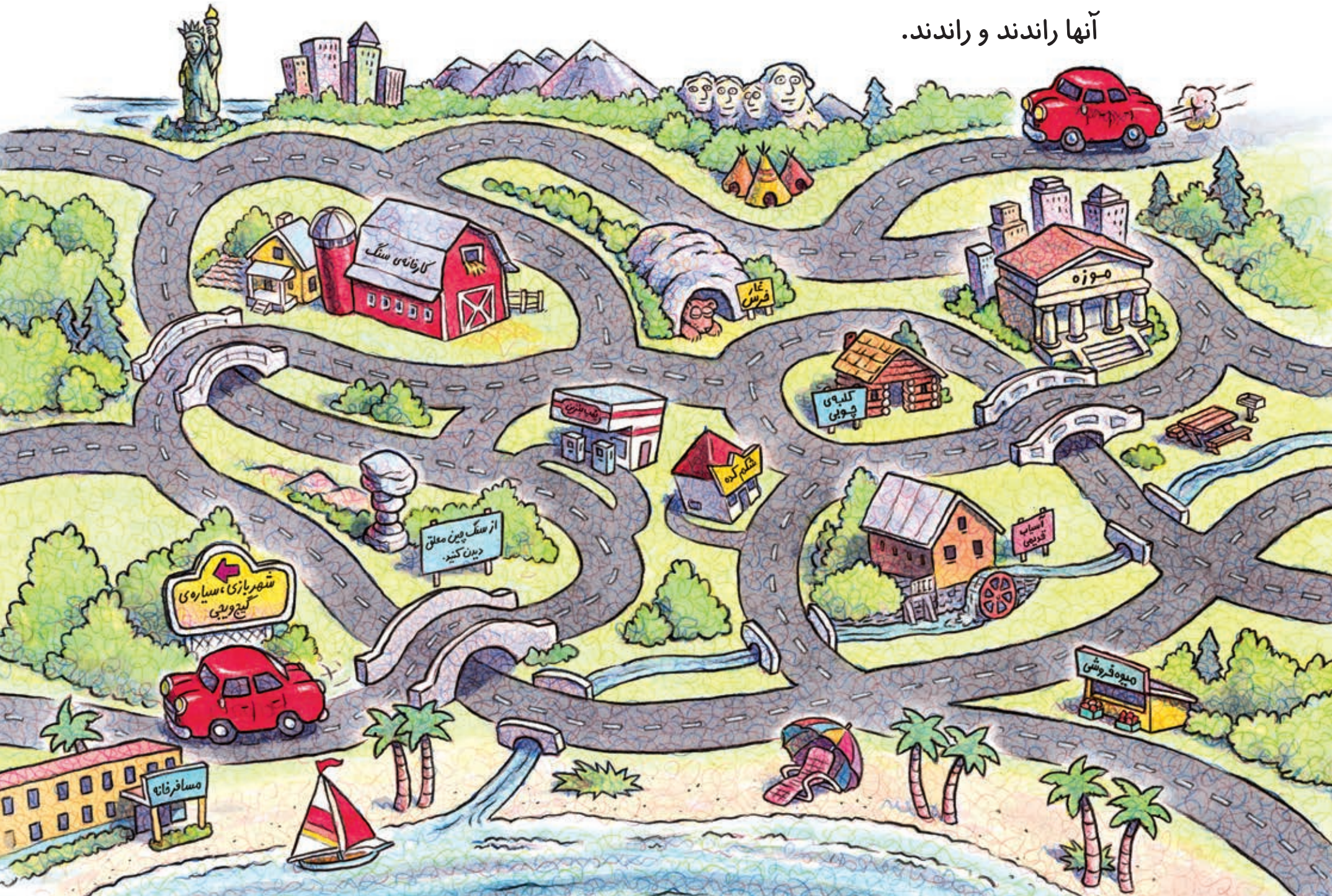
۳

بابا گفت: «ببخشید ویزا!
سرمگس توی خانه می ماند.»

بعدش ماشینش را روشن کرد.
«آره، بزن برویم تو جاده!»



آنها راندند و راندند.



قصه‌هایی ماجراجویانه و خنده‌دار از دوستی
 یک بچه آدم و یک بچه مگس
 پُر از سطل آشغال‌های بوگندو و غذاهای
 قهوه‌ای چسب‌چسبی
 پُر از مگس و سَر مگس
 ویز و ویز و ویز زرزرز!!!

